

اثر نابرابری جنسیتی بر رشد اقتصادی در ایران (با کاربرد داده‌های پانل استانی)

زهرا افشاری*

استاد گروه اقتصاد دانشگاه الزهراء(س)

سمیرا کاکاوند

کارشناس ارشد اقتصاد دانشگاه الزهراء(س)

چکیده

در این مقاله ابتدا به محاسبه نابرابری جنسیتی استانی پرداخته شده است، سپس اثر نابرابری جنسیتی بر رشد، از طریق دو کانال بهره‌وری و باروری با کاربرد داده‌های پانل استانی در دوره زمانی ۱۳۹۱-۱۳۷۷ مورد مطالعه قرار گرفته است. نتایج نشان می‌دهد که بهره‌وری و باروری هر دو بر رشد استانی اثر مثبت و معناداری داشته‌است. همچنین مدل، نمایانگر یک رابطه مثبت و معنادار بین نابرابری جنسیتی و باروری و یک رابطه منفی بین نابرابری و بهره‌وری می‌باشد. اثر نابرابری جنسیتی بر رشد برآیند و اثر بهره‌وری و باروری بر رشد اقتصادی می‌باشد که در مطالعه حاضر اثر اول غالب بوده است، در نتیجه، نابرابری جنسیتی به‌طور کلی (و نابرابری در بازار کار و نابرابری آموزشی) اثر منفی و معنادار بر رشد استانی داشته‌است. نتایج دلالت بر این دارد که برای تحریک رشد بلند مدت اقتصاد، دخالت‌های سیاستی برای بهبود وضعیت باروری از طریق تمرکز بر سیاست‌های مبتنی بر سازش بین کار بازاری و کار خانگی ضرورت دارد. به علاوه مداخله دولت برای اصلاح تورش‌های جنسیتی، مانند تورش جنسیتی در آموزش، حذف اختلالات بازار کار و تغییر قوانین مالکیت برای تقلیل روند نابرابری جهت تحریک بهره‌وری و رشد اقتصادی ضروری می‌باشد.

واژگان کلیدی

نابرابری جنسیتی؛ رشد؛ بهره‌وری؛ باروری.

* نویسنده مسئول

مقدمه

نابرابری جنسیتی یک ویژگی غالب در کشورهای در حال توسعه است. نابرابری به اشکال مختلف به صورت نابرابری درآمدی، نابرابری در دستیابی به فرصت‌ها، نابرابری آموزشی، نابرابری در دسترسی به اشتغال رسمی، موقعیت‌های مدیریتی و سیاسی و بالاخره نابرابری در قدرت چانه‌زنی در درون خانواده ظاهر می‌شود.

علاوه بر این که این نوع نابرابری‌ها از نظر عدالت اجتماعی نامطلوب است، می‌توان استدلال کرد نابرابری به صورت استفاده ناکارا از ظرفیت بالقوه زنان در بازار، بهره‌وری را کاهش می‌دهد. نابرابری جنسیتی گواهی بر شکست بازار است و در نتیجه بر رشد اقتصادی اثر منفی دارد. نابرابری جنسیتی در آموزش، با کاهش سرمایه انسانی، کیفیت مراقبت از فرزندان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. هزینه‌های نابرابری جنسیتی بسیار بالا است، زیرا نه تنها رفاه زنان را کاهش می‌دهد بلکه بر رفاه مردان و فرزندان اثر گذار است و در نتیجه رفاه خانواده را کاهش می‌دهد. همچنین تبعیض جنسیتی در بازار کار و دسترسی به منابع منجر به تخصیص ناکارای منابع و زیان‌های رفاهی و در نتیجه رشد اقتصادی می‌شود.

بررسی‌های جهانی نشان‌دهنده نوعی نابرابری جنسیتی در سطح جهانی می‌باشد. با این وجود، در این زمینه تفاوت‌های کشوری قابل توجه است. برای مثال در سال ۲۰۱۴، کمترین میزان نابرابری جنسیتی مربوط به نروژ (۰/۰۶۹) و بیشترین مربوط به نیجر (۰/۷۱۳) می‌باشد. این شاخص برای ایران ۰/۵۱۵ می‌باشد که رتبه ۱۱۴ را در میان ۱۸۸ کشور جهان دارا می‌باشد. قابل ذکر است که شاخص نابرابری جنسیتی برای کشورهای عربی ۰/۵۳۷ و برای کشورهای شرق آسیا و امریکای لاتین به ترتیب ۰/۳۲۸ و ۰/۴۱۵ می‌باشد. میانگین جهانی این شاخص در سال مورد نظر ۰/۴۴۹ می‌باشد. همانطور که ملاحظه می‌شود این شاخص بالاتر از شاخص جهانی و کمی بهتر از این شاخص در کشورهای عربی می‌باشد. با توجه به تفاوت‌های موجود در سطح توسعه استان که حاصل رشد نامتوازن منطقه‌ای به ارث رسیده شده می‌باشد، محاسبه درجه نابرابری جنسیتی در استان‌های ایران از اهمیت قابل توجهی برخوردار است (UNDP, 2015).



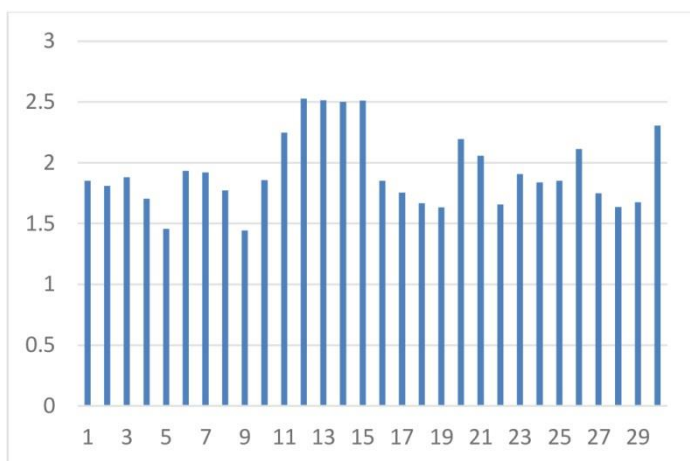
در ایران، توسعه اقتصادی از طریق تغییر در نهادهای جامعه باعث کاهش نابرابری جنسیتی شده است. کاهش نرخ باروری متناظر با افزایش قدرت زن در درون خانواده بوده که آنها را قادر به تعیین تعداد دلخواه فرزندان کرده است. در ایران با وجود محافظت شدید نظام خانواده توسط نهادهای حمایتی مانند مذهب و فرهنگ به علت بی‌ثباتی‌های اقتصادی از یک سو و دسترسی ارزان و پیشرفته به تکنولوژی پیشگیری از سوی دیگر در دوره گذار جمعیتی، تغییر در نابرابری جنسیتی در درون خانواده سریع‌تر از غرب بوده است. از این رو فرایند کاهش سطوح باروری نسبت به غرب تسریع شده است. کاهش باروری موجب کاهش نابرابری جنسیتی در آموزش و افزایش تمایل به مشارکت در بازار کار شده است. ولی با وجود این تمایل به علت نابه‌سامانی‌های اقتصادی، بیکاری زنان در سطح بالایی قرار دارد و همین امر باعث شده زنان و مردان در انتظار یافتن شغل، سن ازدواج را به تعویق اندازند و در نتیجه باروری و تعداد دلخواه فرزندان را کاهش دهند: این می‌تواند بخشی از روند پیر شتاب کاهش باروری در ایران را (با وجود افزایش تعداد زنان در سن باروری به علت تغییر در هرم سنی جمعیت) تبیین کند.

نرخ باروری در ایران از ۷/۷ در سال ۱۳۴۹ به ۶ در سال ۱۳۵۵ کاهش یافت و سپس در سال ۱۳۵۹ به ۷ رسید. ولی این دوره نرخ بالا دیری نپایید. نرخ باروری از ۶/۸ در سال ۱۳۶۳ به ۵/۵ در سال ۱۳۶۷ رسید. این کاهش کند بود تا این‌که برنامه تنظیم خانواده دولت در سال ۱۳۶۸ روند کاهشی باروری را تسریع کرد به طوری که این نرخ به ۲/۸ در سال ۱۳۷۴ تنزل کرد. در دوره ۸۴-۱۳۸۹ این نرخ به ۱/۸۹ و در سال ۱۳۹۱ به ۱/۹ رسید است.

نشانه‌های دستیابی به نرخ زیر جایگزینی از اوایل دهه ۱۳۷۰ آغاز شد. به طوری که در سال ۱۳۷۶ چهار استان (گیلان - تهران - سمنان و اصفهان) نرخ باروری زیر نرخ جایگزینی بود (عباسی - شوازی، ۲۰۰۱)^۱.

^۱ Abbasi-Shavazi

در سال ۱۳۹۱ چهار استان خراسان جنوبی (۲/۴۸) سیستان و بلوچستان (۲/۲۶)، کهگیلویه و بویراحمد (۲/۲) و کردستان به ترتیب بالاترین نرخ باروری (۲/۰۴) را تجربه کرده‌اند. بقیه استان‌ها نرخ باروری زیر ۲ داشته‌اند. کمترین نرخ باروری مربوط به استان‌های تهران (۱/۰۸)، اصفهان (۱/۳۷)، مازندران و مرکزی (۱/۴۷)، می‌باشد. نمودار ۱ نشان می‌دهد میانگین نرخ باروری در دوره مورد مطالعه در ۹ استان زیر نرخ جایگزینی بود. مطالعات نشان می‌دهد در ایران انتقال از باروری بالا به باروری زیر سطح جایگزینی متناظر با برابری سریع در آموزش ولی برابری کمتر در مشارکت زنان در بازار کار، کاهش سریع نابرابری در خانواده بوده است. کاهش سریع نرخ باروری، برخی از صاحب‌نظران را نگران رشد بلند مدت اقتصاد کرده‌است.



نمودار ۱- میانگین نرخ باروری در استان‌های ایران در دوره ۱۳۸۷-۱۳۹۱

منبع: بر اساس داده‌های مرکز آمار ایران

توضیح: ۱- آذربایجان شرقی ۲- آذربایجان غربی ۳- اردبیل ۴- اصفهان ۵- ایلام ۶- بوشهر ۷- تهران ۸- چهارمحال و بختیاری ۹- خراسان جنوبی ۱۰- خراسان رضوی ۱۱- خراسان شمالی ۱۲- خوزستان ۱۳- زنجان ۱۴- سمنان ۱۵- سیستان و بلوچستان ۱۶- فارس ۱۷- قزوین ۱۸- قم ۱۹- کردستان ۲۰- کرمان ۲۱- کرمانشاه ۲۲- کهگیلویه و بویراحمد ۲۳- گلستان ۲۴- گیلان ۲۵- لرستان ۲۶- مازندران ۲۷- مرکزی ۲۸- هرمزگان ۲۹- همدان ۳۰- یزد



در این مقاله، ابتدا به محاسبه نابرابری جنسیتی با آخرین روش ارائه شده در گزارش توسعه انسانی با توجه به آخرین اطلاعات استانی موجود پرداخته می‌شود. به علاوه، با توجه به این‌که نابرابری جنسیتی از دو کانال مستقیم و غیر مستقیم از طریق متغیرهای تعیین‌کننده‌ای رشد (مانند باروری، بهره‌وری) بر رشد اقتصادی اثرگذار است و از آنجا که مطالعات قبلی فقط به بررسی آثار مستقیم آن اکتفا کرده و آثار غیر مستقیم نابرابری را که از طریق اختلال در تخصیص منابع ایجاد می‌شود را مورد توجه قرار نداده‌اند؛ این مقاله به دنبال افزودن یک کانال اضافی به بررسی اثر نابرابری بر رشد می‌باشد. به این منظور در این مقاله به مطالعه اثر نابرابری جنسیتی بر رشد، از طریق دو کانال بهره‌وری و باروری با کاربرد از داده‌های پانل استانی در دوره زمانی ۱۳۹۱-۱۳۷۷ پرداخته می‌شود. در ادامه، مبانی نظری و پیشینه مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس به محاسبه نابرابری جنسیتی و تبیین آن در استان‌های ایران می‌پردازیم. ارائه مدل و تحلیل نتایج بخش بعدی را تشکیل می‌دهد. بخش پایانی به نتیجه‌گیری و دلالت‌های سیاستی اختصاص دارد.

۱. مروری بر ادبیات نظری

رشد اقتصادی و نابرابری جنسیتی آثار متقابل بر یکدیگر دارند. از یک سو رشد، نابرابری جنسیتی را تحت تاثیر قرار می‌دهد و از سوی دیگر نابرابری جنسیتی بر رشد موثر است. به همین جهت مبانی نظری از دو منظر بالا به بررسی رشد و نابرابری جنسیتی می‌پردازند. گروه اول مباحث نظری به بررسی اثر رشد بر نابرابری جنسیتی می‌پردازند که می‌توان به نظریات زیر اشاره کرد.

فورسپته بر این باور است که نابرابری جنسیتی با صنعتی شدن و رشد اقتصادی کاهش می‌یابد. این مطالعه با ملاحظه ابعاد مختلف نابرابری، نابرابری در اشتغال، دستمزد و یا فقر، نتیجه می‌گیرد بخش مهمی از این نابرابری‌ها را می‌توان به تفاوت در سرمایه انسانی نسبت داد. اما هنوز بخشی از شکاف‌های جنسیتی موجود در اشتغال و

دستمزد قابل توضیح با تفاوت در سرمایه انسانی نمی‌باشد، که می‌توان آن را به علت تبعیض دانست (فورسیت، ۲۰۰۰).^۱

این درحالی است که بر اساس رویکرد زنان در توسعه^۲ (WID)، در مراحل اولیه توسعه ما شاهد رشد شکاف جنسیتی هستیم، ولی بالای یک آستانه، نابرابری کاهش می‌یابد. آن‌ها می‌گویند رشد اقتصادی، همراه با مداخله دولت برای اصلاح تورش‌های جنسیتی، مانند تورش جنسیتی در آموزش، حذف اختلالات بازار کار و تغییر قوانین مالکیت، روند کاهش نابرابری را تسریع می‌کند (بوزراب^۳، ۱۹۷۰).

رویکرد جنسیت و توسعه^۴ (GAD) تاکید بر تداوم و یا افزایش آسیب پذیری زنان در فرآیند توسعه دارد. در این رویکرد، نابرابری‌های جنسیتی توسط نهادهای حاکم بر جامعه، مانند ساختار پدر سالاری در خانواده و بازار کار و قوانین مالکیت شکل گرفته است، که نمی‌تواند با فرآیند رشد اقتصادی تحت تأثیر قرارگیرد و حتی ممکن است، رشد اقتصادی نابرابری را بیشتر کند. برای مثال دوفلو نتیجه می‌گیرد توسعه اقتصادی حذف نابرابری‌های جنسیتی را تضمین نمی‌کند (دوفلو^۵، ۲۰۱۰).

بکرولویس استدلال می‌کند کاهش درآمدی تعداد فرزندان یک خانواده از کشش درآمدی سطح تحصیلات کسب شده توسط فرزندان بالاتر است. از این رو یک آستانه درآمدی وجود دارد که بالاتر از آن باروری کاهش و سرمایه‌گذاری بر روی فرزندان افزایش می‌یابد. این دو افزایش درآمد را محرک اصلی انتقال جمعیتی و کاهش باروری می‌دانند. باروری پایین‌تر مشارکت اقتصادی زنان را افزایش داده و در نتیجه موجبات کاهش شکاف جنسیتی کاهش را فراهم کرده‌است (بکرولویس^۶، ۱۹۷۳).

کاوا کانتی و تاوارس نتیجه می‌گیرند که رشد اقتصادی، هزینه فرصت خانه‌داری را افزایش و در نتیجه مشارکت زنان را در بازار کار افزایش می‌دهد. متعاقب آن، افزایش

¹ Forsythe,

² Women in Development.

³ Boserup.

⁴ Gender and Development.

⁵ Duflo.

⁶ Becker and Lewis



تقاضا برای خدمات عمومی، هزینه بچه‌داری را افزایش می‌دهد. هر دوی این عوامل بر باروری اثر منفی دارند (کاوا کانتی و تاواریس^۱، ۲۰۰۷)

جوس ولیوک از طریق تحلیل حق مالکیت نشان می‌دهند رشد اقتصادی حقوق زنان را ارتقاء می‌دهد (جوس ولیوک^۲، ۲۰۰۷). گرین وود و همکاران نشان می‌دهند که پیشرفت تکنولوژی با معرفی کالاهای مصرفی بادیوم جایگزین کار خانه (مانند ماشین‌های ظرفشویی و لباسشویی، جاروبرقی و...)، کار خانگی را کاهش و امکان اشتغال بیشتر زنان را در خارج از خانه را فراهم کرده‌است (گرین وود و همکاران^۳، ۲۰۰۵).

دوپک و ترتیلت مکانیزم دیگری را ارائه می‌دهند و نتیجه می‌گیرند وقتی بازدهی آموزشی کم است، مردان به رژیم سیاسی پدر سالاری رأی می‌دهند، که در آن تمامی حقوق از آن شوهر می‌شود. پیشرفت تکنولوژی با افزایش نقش سرمایه انسانی، انتقال حقوق از سمت مرد به سمت زن و دختران خانواده صورت می‌گیرد. وقتی بازدهی آموزشی به یک آستانه بحرانی رسید، مرد به رژیم سیاسی توانمندسازی زنان رأی می‌دهد، که در آن زنان و مردان به طور مساوی در تصمیم‌گیری شرکت می‌کنند (دوپک و ترتیلت، ۲۰۰۹).

فرناندز نظریه‌ای مشابه قبل ارائه می‌دهد و استدلال می‌کند که تراکم سرمایه و کاهش باروری باعث تغییرگرایش مردان در احقاق حقوق مالکیت زنان می‌شود و سرانجام نظامی را انتخاب می‌کنند که حقوق دختران‌شان را تضمین کند، حتی اگر به عنوان شوهر به آن‌ها آسیب برسد (فرناندز^۴، ۲۰۰۹)

دومین گروه مطالعات نظری به نابرابری جنسیتی بر رشد اقتصادی تاکید دارد که می‌توان به نظریات زیر اشاره کرد:

¹ Cavalcanti and Tavare

² Geddes and Lue

³ Greenwood, Seshadri and Yorukoglu

⁴ Fernandez

در سال‌های اخیر به عوامل تعیین‌کننده رشد اقتصادی توجه زیادی شده است. بسیاری از این مدل‌ها بر اهمیت تراکم سرمایه انسانی برای رشد تأکید داشته‌اند (مانکیو، رومر و ویل^۱، ۱۹۹۲). اما تنها تعداد محدودی از مدل‌ها به طور واضح به بررسی رابطه نابرابری جنسیتی و رشد اقتصادی و باروری می‌پردازند.

هزینه‌های نابرابری جنسیتی بسیار بالاست، زیرا نه تنها رفاه زنان را کاهش می‌دهد، بلکه رفاه مردان و فرزندان را تحت تأثیر قراردادده و مانعی بر سر راه توسعه اقتصادی می‌باشد. بی‌توجهی به آموزش زنان از طریق کاهش سرمایه انسانی کیفیت مراقبت از فرزندان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. همچنین تبعیض جنسیتی در بازار کار و دسترسی به منابع، به تخصیص ناکارای منابع و زیان‌های رفاهی قابل توجه منجر می‌شود. بلاک دن بر این باور است که نابرابری جنسیتی بر تراکم دارایی و بهره‌وری اثر منفی دارد. خصوصاً نابرابری در آموزش، باعث کاهش سرمایه انسانی متوسط نه تنها در نسل فعلی بلکه در نسل‌های آتی می‌شود، از این رو بر رشد اقتصادی بلند مدت اقتصاد اثر منفی دارد (بلاک دن^۲، ۲۰۰۶).

سن (سن^۳، ۱۹۹۰) و وکلاسن و وینک (کلاسن و وینک^۴، ۲۰۰۳) استدلال می‌کنند که شکاف دریافتی با کاهش قدرت زنان در درون خانواده، سرمایه‌گذاری در آموزش و سلامت فرزندان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به طور همزمان، شکاف در دسترسی به منابع کارا باعث ایجاد اخلال در تخصیص منابع می‌شود، که به نوبه خود بهره‌وری را کاهش می‌دهد. از این رو بر رشد اقتصادی اثر منفی دارد. مطابق گزارش بانک جهانی، افزایش مشارکت زنان در کار و تصمیم‌گیری، حکمرانی و فضای کسب و کار را بهبود می‌بخشد و در نتیجه بر رشد اثر گذار است (ورد بنک، ۲۰۰۱)^۵.

مطالعه اسلاتسکی دلالت بر این دارد که: تفاوت‌های جنسیتی بر رفتار مصرفی، پس‌انداز و عملکرد اقتصاد کلان اقتصاد اثر می‌گذارد. از آنجا که تمایل زنان به سمت

¹ Mankiw, Romer and Weil

² Blackden et al

³ Sen, 1990.

⁴ klasen and Wink

⁵ World Bank



مصرف کالاها و خدماتی که سرمایه انسانی فرزندان را بالا می‌برد (مثل آموزش، بهداشت و تغذیه) بیشتر است. از این رو قدرت بالاتر زنان بهره‌وری کل اقتصاد را افزایش می‌دهد، همچنین زنان میل به پس‌انداز بالاتر، ریسک‌گریزی کمتر و میل به سرمایه‌گذاری بالاتری دارند که تمامی این عوامل محرک رشد اقتصادی می‌باشند (اسلاتسکی^۱، ۲۰۰۶).

گالور و ویل نابرابری جنسیتی و رشد اقتصادی را از طریق باروری به هم مربوط می‌کنند. مطابق این تحلیل کاهش نابرابری جنسیتی، دستمزد زنان را افزایش داده و هزینه بچه‌داری را بالا می‌برد و در نتیجه بر باروری اثر منفی دارد. گالور و ویل با ارائه یک الگوی نظری نشان می‌دهند که رشد اقتصادی از کاهش باروری یک بازخورد مثبت می‌گیرد، که منجر به گذار جهشی و رشد اقتصادی بالاتر می‌شود. در این مدل، در اثر سرمایه برتر شدن تکنولوژی حاصل از رشد اقتصادی، شکاف دستمزد کاهش می‌یابد. افزایش دستمزد نسبی زنان، باعث جایگزینی بین کار و بچه‌داری و در نتیجه کاهش باروری می‌شود. این مدل یک تعادل چندگانه وضعیت یکنواخت را نشان می‌دهد که در یکی از تعادل‌ها، باروری بالا و تولید و سرمایه سرانه، و دستمزد نسبی زنان پایین است و در تعادل دیگر، باروری پایین و تولید و سرمایه سرانه بالاست. از این رو شرایط اولیه هر کشور تعیین‌کننده تعادل بلند مدت است و کشورهای با سطوح اولیه پایین سرمایه سرانه، توسعه به سمت دام تعادلی پایین همگرا می‌شود (گالور و ویل^۲، ۱۹۹۶).

همچنین دوپک و ترتیل^۳ نتیجه می‌گیرند افزایش حقوق زنان منجر به کاهش باروری و افزایش سطح تحصیلات فرزندان می‌شود.

لاجرلف^۴ استدلال می‌کند برابری جنسیتی در آموزش بر رشد اقتصادی اثر مثبت دارد، چون بر باروری و سرمایه انسانی فرزندان اثرگذار است. نتایج مدل آن‌ها نشان

¹ Stotsky .

² Galor and Weil

³ Doepke, M. and Tertilt, M

⁴ Lageerlof

می‌دهد هر چه اقتصاد به سمت تعادل با برابری جنسیتی حرکت کند، سرمایه انسانی زنان افزایش می‌یابد، در نتیجه وقت آنها گران‌تر می‌شود، در این صورت زنان کیفیت بچه را جایگزین کمیت آن می‌کنند (دوپک و ترتیل^۱، ۲۰۰۹).

استو – ولارت در مدلی نشان می‌دهند که تبعیض جنسیتی از طریق اخلال در تخصیص استعدادها در مشاغل بر توسعه اقتصادی اثر منفی دارد (استو – ولارت^۲، ۲۰۰۹). بوداس و بازیلیر مدلی با مدلی ارائه نشان می‌دهند که تبعیض جنسیتی باعث ایجاد تورشی در انتخاب مهاجرین می‌شود. آن‌ها استدلال می‌کنند کاهش در نابرابری جنسیتی باعث افزایش مهارت متوسط مهاجران زن، افزایش بهره‌وری و رشد اقتصادی می‌شود (بوداس و بازیلیر^۳، ۲۰۱۱).

(لوگرف^۴، ۱۹۹۹) با کاربرد چارچوب مدل‌های بین نسلی، نتیجه می‌گیرد که نابرابری جنسیتی در آموزش، باروری بالا و رشد اقتصادی پایین را به دنبال دارد. در این مدل نابرابری جنسیتی در آموزش باعث ایجاد تله فقر می‌شود، که عملیات دولت را برای فرار از تعادل سطح پایین ضروری می‌داند.

۲. پیشینه مطالعات تجربی

همان‌طور که در ادبیات نظری گفته شد، نابرابری جنسیتی از طرق مختلف بر رشد اقتصادی اثر می‌گذارد. استیفن کالسون به بررسی اثر نابرابری جنسیتی در آموزش و اشتغال بر رشد اقتصادی در ۳۱ کشور آفریقای صحرا و ۱۰ کشور عربی می‌پردازد. نتایج نشان می‌دهد که نابرابری در آموزش بر رشد اقتصادی اثر منفی و معناداری داشته‌است. نتایج نشان می‌دهد رشد مبتنی بر تجارت همراه با نابرابری جنسیتی بالاتری بوده‌است (کالسون^۵، ۲۰۰۲). کالسون در مطالعه دیگری با استفاده از داده‌های ۱۰۹ کشور شامل کشورهای در حال توسعه و صنعتی، نتیجه می‌گیرد نابرابری جنسیتی، به ویژه نابرابری

¹ Doepke, M. and Tertilt, M.

² Esteve-Volart

³ Baudasse and Bazillier

⁴ Lagerlof

⁵ Klasen, Stephan



جنسیتی در آموزش و اشتغال باعث کاهش رشد شده است. این هزینه برای شکاف آموزشی ۰,۹-۱,۷ و برای نابرابری اشتغال ۰,۱-۰,۶ درصد تفاوت در رشد کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا و آسیای جنوبی در مقایسه با شرق آسیا بوده است. کلاسن و لامانا نشان می دهند شکاف جنسیتی در آموزش بر رشد اقتصادی اثر منفی دارد (کالسون و رامانا^۱، ۲۰۰۹). فوربس و کازلی با کاربرد تکنیک GMM^۲، بین آموزش زنان یک رابطه مثبت بدست آورده اند. این رابطه برای مردان منفی بوده است. آن‌ها نتیجه می گیرند نابرابری جنسیتی مانع مهمی بر سر راه رشد اقتصادی بوده است (کسلی، اسکول و دفات^۳، ۱۹۹۶). هیل و کینگ به بررسی اثر تفاوت‌های جنسیتی در آموزش بر رشد می پردازند و نشان می دهند یک نسبت پایین تر ثبت نام زن به مرد متناظر با سطح پایین تر GDP^۴ سرانه است (هیل و کینگ^۵، ۱۹۹۵). دلار و گاتی به بررسی رابطه بین نابرابری جنسیتی در آموزش و رشد به برآورد این رابطه در یک دوره ۵ ساله می پردازند. آن‌ها نتیجه می گیرند که دست‌یابی به آموزش متوسطه برای زنان با رشد رابطه مثبت دارد، در حالی که در مورد مردان این نسبت معکوس است (دلار و گاتی^۶، ۱۹۹۹). مینا بالیامونه با استفاده از داده‌های سال ۱۹۷۴-۱۹۹۷ در ۴۱ کشور آفریقا، عربستان و کشورهای عربی با استفاده از روش داده‌های پانل به برآورد اثر نابرابری جنسیتی بر باروری می پردازد. نتایج برآورد نشان دادند بین نرخ باروری و نابرابری جنسیتی رابطه معناداری وجود دارد. از طرفی بین نابرابری جنسیتی و درآمد، درجه باز بودن اقتصاد، امید به زندگی و نرخ سرمایه گذاری رابطه منفی و معناداری وجود دارد (مینا بالیامونه^۷، ۲۰۰۲).

استفان سیگنو در مطالعه‌ای با استفاده از تابع تولید نئوکلاسیک به مطالعه نابرابری جنسیتی و رشد اقتصادی در کشورهای مختلف در دوره ۱۹۷۵-۱۹۹۵

¹ Klasen and Lamanna

² generalized method of moments (GMM)

³ Caselli, Esquivel and deffat

⁴ Gross Domestic Product

⁵ Hill and king

⁶ Dollar and Gatti

⁷ Balamoune-Lutz, M.

می‌پردازد. او نتیجه می‌گیرد که کاهش نابرابری آموزشی بین زنان و مردان بر نرخ رشد اقتصادی اثر مثبت دارد. همچنین بین نابرابری دستمزدها و رشد اقتصادی از طریق کانال‌های صادرات و سرمایه‌گذاری یک رابطه مثبت وجود دارد (سگانو^۱، ۱۹۹۸).

نانسی فورسیت و همکاران در سال ۲۰۰۳ در مقاله‌ای به مطالعه رابطه بین نابرابری جنسیتی و رشد اقتصادی می‌پردازند. در این مطالعه از دو شاخص، تعداد کرسی نمایندگان زن و سهم زنان مدیر برای بررسی نابرابری جنسیتی استفاده شده است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد نابرابری جنسیتی بر نرخ رشد اقتصادی اثر منفی دارد (نانسی فورسیت و همکاران^۲، ۲۰۰۳). شیبانی و افشاری در سال ۱۳۸۲ به مطالعه نابرابری جنسیتی و توسعه اقتصادی در استان‌های ایران می‌پردازند. برای ارزیابی رابطه مقطعی بین توسعه اقتصادی و موقعیت زنان (نابرابری جنسیتی) دو نوع مدل به کار برده شده است. مدل خطی و مدل درجه دو، مدل درجه دو برای آزمون فرضیه وجود رابطه U وارونه بین متغیر مستقل و وابسته به کار برده شده است. نتایج نشان می‌دهد که یک رابطه خطی و منقی بین متغیرهای توسعه اقتصادی و نابرابری جنسیتی به طور کلی و اجزای آن وجود داشته است و به این نتیجه رسیده‌اند که در ابتدای فرایند، توسعه نابرابری افزایش می‌یابد ولی به مرور این نابرابری کاهش می‌یابد (شیبانی، افشاری، ۱۳۸۲). افشاری و شیبانی در مقاله‌ای دیگر، با استفاده از تکنیک داده-ستانده ایران به محاسبه ضرایب اشتغال زنان با سطوح تحصیلی و مهارت‌های مختلف، در صنایع مختلف، در سه بخش دولتی، خصوصی و تعاونی پرداخته و سپس به رتبه‌بندی این بخش‌ها بر اساس قدرت اشتغال‌زایی برای زنان در این بخش‌ها پرداخته‌اند. نتایج این مقاله دلالت بر این دارد که-با توجه به مسیر رو به افزایش عرضه نیروی کار زنان (خصوصاً زنان با تحصیلات عالی)، جهت تداوم رشد و کاهش نابرابری جنسیتی، تغییر در ساختار صنعت ضروری به نظر می‌رسد (افشاری، شیبانی،

¹ Seguino, S.

² Forsythe, N., R. P. Korzeniewicz, and V. Durrant



۱۳۸۲). یوسفی دیندارلو در پایان‌نامه خود به بررسی تاثیر آموزش رسمی بر نرخ رشد اقتصادی ایران پرداخته‌است. برای این منظور به بررسی اثر مستقیم آموزش و اثر غیر مستقیم آموزش به تفکیک جنسیت پرداخته‌است. براساس نتایج این مطالعه افزایش متوسط سال‌های تحصیل مردان و زنان بر حسب هر چهار مقطع ابتدایی، راهنمایی، متوسطه و دانشگاه در چارچوب ساختار فعلی آموزش رابطه معناداری با رشد اقتصادی کشور ندارد و به طور کلی آموزش اثر محدودی را در تحولات نرخ رشد اقتصادی ایران در طول سال‌های مورد بررسی داشته‌است (یوسفی دیندارلو، ۱۳۸۲).

افشاری و رضانی در مقاله‌ای به بررسی اثر فن‌آوری و به‌ویژه فن‌آوری اطلاعات بر اشتغال زنان با به‌کارگیری داده‌های مقطعی بین‌کشوری پرداخته‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که فن‌آوری اطلاعات هر چند اثر معناداری بر نرخ فعالیت اقتصادی زنان نداشته‌است، اما بر شاخص‌های توانمندسازی زنان اثر مثبت و معنادار داشته‌است. اثر فن‌آوری اطلاعات بر درآمد زنان در مراحل اولیه مثبت و سپس با گذشت زمان این اثر کاهش می‌یابد (افشاری، رضانی، ۱۳۸۵). پرتوی و همکاران در مقاله خود اثر سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی ایران را در دوره زمانی ۱۳۸۵-۱۳۴۵ را بررسی می‌کنند. برای این منظور با در نظر گرفتن نابرابری جنسیتی در حوزه اشتغال و آموزش در کشور در پی پاسخ به این سوال بوده‌اند که این نوع نابرابری چه تاثیری بر رشد اقتصادی در کشور داشته‌است. نتایج نشان می‌دهد آموزش بر رشد اقتصادی ایران تاثیر مثبت و معنی‌دار دارد و با کاهش نابرابری جنسیتی در بخش‌های آموزش و اشتغال نرخ رشد اقتصادی افزایش می‌یابد. بنابراین با افزایش متوسط سال‌های آموزش زنان رشد اقتصادی افزایش می‌یابد (پرتوی و همکاران، ۱۳۸۸). تجزیه جنسیتی نیروی کار یکی از نشانه‌های نابرابری در بازار نیروی کار و نابرابری در بازار کار یکی از علائم نابرابری‌های اجتماعی می‌باشد که بر بهره‌وری و رشد اقتصادی اثر منفی دارد. در این مقاله با استفاده از شاخص دونکن به آزمون فرضیه تجزیه جنسیتی نیروی کار در ایران پرداخته شده‌است. نتایج پژوهش فرضیه تجزیه جنسیتی نیروی کار در ایران را رد نمی‌کند. به علاوه نتایج موید وجود تجزیه جنسیتی در نیروی کار ایران هم در سطح

بخش‌ها و هم در سطح حرفه‌ها می‌باشد. نتایج نشان داده است تجزیه جنسیتی بخشی (در دوره ۸۵-۱۳۷۱) در ایران روند کاهشی داشته است، ولی شاخص تجزیه جنسیتی حرفه‌ای در این دوره افزایش یافته است (افشاری، شبیانی، ۱۳۸۹). افشاری در مقاله‌ای به بررسی اثرات متقابل باروری و برابری جنسیتی در ایران با تمایز بین دو نوع برابری: برابری در خانواده و برابری در نهادهای فردگرا با استفاده از داده‌های پانل استانی پرداخته است. این مطالعه نشان می‌دهد اثر برابری جنسیتی (در کل و در بازار کار) بر باروری از یک الگوی یو (وارونه) تبعیت می‌کند. بر اساس مدل‌های برابری جنسیتی بین باروری و برابری جنسیتی (در کل و برابری جنسیتی در آموزش) یک رابطه یو مانند وجود دارد (افشاری، ۱۳۹۴).

۳. نابرابری جنسیتی در استان‌های ایران

به منظور بررسی اثر نابرابری جنسیتی بر رشد اقتصادی در استان‌های ایران، با توجه به عدم دسترسی به داده‌های به روز ابتدا این شاخص برای دوره تحقیق محاسبه می‌شود. برابری جنسیتی یک مفهوم چند بعدی است که بر بسیاری از جنبه‌های زندگی مانند دسترسی به آموزش، دسترسی به بهداشت، حقوق مدنی، آزادی‌های شهروندی و منابع اقتصادی تأکید دارد. در این راستا شاخص نابرابری جنسیتی ابعاد مشارکت اقتصادی و فرصت‌ها، دستیابی به آموزش، توانمندسازی سیاسی و سلامت و بقا را در برمی‌گیرد. برای محاسبه نابرابری جنسیتی در استان‌های ایران از روش ارائه شده در گزارش توسعه انسانی ۲۰۱۵ استفاده شده است. با توجه به عدم دسترسی به برخی از داده‌های مورد نیاز استانی تعدیلاتی انجام شده است

برای محاسبه شاخص نابرابری جنسیتی ابتدا میانگین هندسی سه شاخص سلامتی (عبارت داخل پرانتز اول)، شاخص آموزش (عبارت داخل پرانتز دوم) و نرخ مشارکت اقتصادی (عبارت داخل پرانتز سوم) را برای زنان و مردان (G_M و G_F) طبق رابطه (۱) و (۲) بدست می‌آوریم.



$$G_M = \sqrt[3]{1 \cdot (PR_M \cdot SE_M)^{1/2} \cdot LFPR_M} \quad (1)$$

$$G_F = \sqrt[3]{\left(\frac{10}{MMR} \cdot \frac{1}{AFR}\right)^{1/2} (PR_F \cdot SE_F)^{1/2} \cdot LFPR_F} \quad (2)$$

سپس میانگین هارمونیک دو رابطه (۱) و (۲) را به صورت زیر بدست می‌آوریم.

$$HARM(G_F, G_M) = \left[\frac{(G_F)^{-1} + (G_M)^{-1}}{2} \right]^{-1} \quad (3)$$

در مرحله بعد، میانگین حسابی سه شاخص سلامت، توانمندی نرخ مشارکت را برای زنان و مردان طبق روابط ۶-۴ بدست می‌آوریم.

$$\overline{Health} = \left(\sqrt{\frac{10}{MMR} \cdot \frac{1}{AFR}} + 1 \right) / 2 \quad (4)$$

$$\overline{Empowement} = \left(\sqrt{PR_F \cdot SE_F} + \sqrt{PR_M \cdot SE_M} \right) / 2, \quad (5)$$

$$\overline{LFPR} = \frac{LFPR_F + LFPR_M}{2} \quad (6)$$

سپس، از شاخص‌های بدست آمده از روابط (۴)، (۵) و (۶) میانگین هندسی می‌گیریم.

$$G_{\overline{F}, \overline{M}} = \sqrt[3]{\overline{Health} \cdot \overline{Empowement} \cdot \overline{LFPR}} \quad (7)$$

و در نهایت شاخص نابرابری جنسیتی به صورت رابطه (۸) بدست می‌آید:

$$1 - \frac{HARM(G_F, G_M)}{G_{\overline{F}, \overline{M}}} \quad (8)$$

(دستیابی به آموزش متوسطه و عالی)، SE، مشارکت سیاسی (T.PR) میزان باروری زنان زیر ۱۸ سال (TFR) در بالا نشان داده شده است. MMR نسبت مرگ و میر مادران با (مشارکت اقتصادی) و LFPR

جدول ۱: میانگین نابرابری جنسیتی سال‌های ۱۳۸۷-۱۳۹۱ به تفکیک استانی

شاخص نابرابری جنسیتی	استان	شاخص نابرابری جنسیتی	استان	شاخص نابرابری جنسیتی	استان	شاخص نابرابری جنسیتی	استان
۰/۳۴	لرستان	۰/۳۲	قزوین	۰/۲۷	خراسان جنوبی	۰/۲۷	آذربایجان شرقی
۰/۳۰	مازندران	۰/۳۶	قم	۰/۳۰	خراسان رضوی	۰/۳۲	آذربایجان غربی
۰/۳۱	مرکزی	۰/۳۶	کردستان	۰/۳۱	خراسان شمالی	۰/۲۷	اردبیل
۰/۴۱	هرمزگان	۰/۳۴	کرمان	۰/۳۷	خوزستان	۰/۲۷	اصفهان
۰/۲۸	همدان	۰/۳۴	کرمانشاه	۰/۲۶	زنجان	۰/۳۱	ایلام
۰/۳۳	یزد	۰/۴۵	کهگیلویه و بویراحمد	۰/۳۷	سمنان	۰/۳۶	بوشهر
		۰/۲۹	گلستان	۰/۴۶	سیستان و بلوچستان	۰/۲۹	تهران
		۰/۲۱	گیلان	۰/۲۹	فارس	۰/۳۰	چهارمحال بختیاری

منبع: محاسبات تحقیق

این شاخص بین صفر و یک در نوسان است و هر چه به یک نزدیک‌تر شود نابرابری بیشتری را نشان می‌دهد. جدول ۱ میانگین شاخص نابرابری جنسیتی در استان‌های ایران را در دوره مورد نظر نشان می‌دهد که در ۸ استان این شاخص زیر ۰/۳ و در ۳ استان (هرمزگان سیستان و بلوچستان و کهگیلویه و بویراحمد) بالای ۰/۴ می‌باشد. استان گیلان کم‌ترین نرخ برابری جنسیتی را در دوره مورد نظر داشته است.

۴. نتایج و تحلیل مدل

در این بخش به مطالعه اثر نابرابری جنسیتی بر رشد از طریق دو مجرای بهره‌وری و باروری پرداخته می‌شود. به این منظور با کاربرد داده‌های پانل استانی ایران در دوره زمانی ۱۳۸۷-۱۳۹۱ به برآورد مدل می‌پردازیم. با توجه به کوتاه مدت بودن پانل نیازی به انجام آزمون پایایی نمی‌باشد. ابتدا، آزمون F لیمر جهت تلفیقی یا پانل بودن داده‌های آماری مورد استفاده قرار می‌گیرد. چنانچه فرضیه صفر آماره لیمر مبنی بر تلفیقی رد



شود و دلیلی برای پذیرش فرضیه صفر وجود نداشته باشد، فرضیه مقابل آن مبنی بر پانل بودن داده‌ها مورد پذیرش قرار می‌گیرد. نتایج داده‌ها پانل را تایید می‌کند (جدول ۲).

جدول ۲: آزمون F لیمر

نتیجه	۰/۰۰۰۰	۱۶۵/۱۱۱۵۹۵	مدل ۱	رشد
	۰/۰۰۰۰	۵۵۹/۱۳۶۶۶۴		
	۰/۰۰۰۰	۱۶۴/۸۰۰۷۴۵		
	۰/۰۰۰۰	۵۶۰/۱۰۶۷۷۳		
تأیید پنل در برابر داده‌های تلفیقی	۰/۰۰۰۰	۱۴/۶۸۶۸۸۴	مدل ۱	نابرابری جنسیتی
	۰/۰۰۰۰	۲۲۹/۶۳۵۷۱۲		
تأیید پنل در برابر داده‌های تلفیقی	۰/۰۰۰۰	۱۴/۶۷۶۸۸۴	مدل ۱	نابرابری جنسیتی در آموزش
	۰/۰۰۰۰	۲۲۹/۲۱۷۵۳۶		
تأیید پنل در برابر داده‌های تلفیقی	۰/۰۰۰۰	۲۴/۴۸۴۷۳۷	مدل ۱	نابرابری در بازار کار
	۰/۰۰۰۰	۲۹۲/۲۵۹۶۷۲		
تأیید پنل در برابر داده‌های تلفیقی	۰/۰۰۰۰	۱۳/۳۵۲۳۲۸	مدل ۱	نرخ باروری
	۰/۰۰۰۰	۲۱۹/۱۲۵۰۷۲		
	۰/۰۰۰۰	۱۷/۰۹۲۸۷۶	مدل ۲	
	۰/۰۰۰۰	۲۴۹/۳۹۶۱۴۵		
تأیید پنل در برابر داده‌های تلفیقی	۰/۰۰۰۰	۳۷۷/۶۵۱۳۹۶	مدل ۱	بهره‌وری
	۰/۰۰۰۰	۶۸۶/۳۱۳۶۴۲		
	۰/۰۰۰۰	۳۹۳/۷۲۲۹۵۲	مدل ۲	
	۰/۰۰۰۰	۶۸۸/۶۴۴۶۳۸		

منبع: محاسبات تحقیق

بعد از این که از پانل بودن داده‌های آماری در مدل اطمینان حاصل شد، ثابت یا تصادفی بودن اثر آن با استفاده از آزمون هاسمن مورد بررسی قرار خواهد گرفت. فرضیه صفر آزمون هاسمن مبنی بر اثر تصادفی بودن داده‌های آماری در مدل است. چنانچه فرضیه صفر رد شود و دلیلی برای پذیرش آن وجود نداشته باشد فرضیه مقابل آن مبنی بر اثر ثابت پذیرفته می‌شود. نتایج در تمامی مدل‌ها اثرات تصادفی را تایید می‌کند (جدول ۳).

جدول ۳: نتایج آزمون هاسمن

نتیجه	احتمال	آماره		
تأیید الگوی اثرات تصادفی	۰/۰۰۰۰	۲۵/۱۴۰۹۲۹	مدل ۱	رشد
	۰/۰۰۰۰	۳۷/۹۲۹۱۲۱	مدل ۲	
تأیید الگوی اثرات تصادفی	۰/۰۸۴۲	۲/۹۸۲۲۳۴		نابرابری جنسیتی
تأیید الگوی اثرات تصادفی	۰/۰۰۰۰	۴۴/۷۸۱۲۶۳		نابرابری آموزشی
تأیید الگوی تصادفی	۰/۰۳۰۳	۶/۹۹۲۳۳۱		نابرابری بازار کار
تأیید الگوی تصادفی	۰/۰۰۰۱	۱۹/۳۹۹۳۴۷	مدل ۱	باروری
	۰/۰۰۱۲	۱۵/۸۶۵۷۳۱	مدل ۲	
تأیید الگوی اثرات ثابت	۰/۲۰۰۷	۳/۲۱۱۸۲۱	مدل ۱	بهره‌وری
	۰/۵۲۴۶	۱/۲۹۰۱۶۱	مدل ۲	

* تمامی ضرایب گزارش شده در جدول معنادار می‌باشد.

منبع: محاسبات تحقیق

نتایج برآورد مدل‌ها در جدول ۴ خلاصه شده‌است. برای دستیابی به اهداف تحقیق، ۴ مدل برای متغیرهای اصلی مدل رشد، بهره‌وری، نابرابری جنسیتی در کل و در بازار آموزشی برآورد شده است.



مدل نابرابری جنسیتی - ستون ۳ و ۴ جدول ۴ نشان می‌دهد که رشد اقتصادی بر نابرابری جنسیتی اثر منفی داشته‌است. به این معنا که توسعه اقتصادی از طریق تغییر در نهادهای اجتماعی منجر به فرصت‌های مساوی‌تر برای زنان می‌شود که موجبات مشارکت بالاتر زنان در نیروی کار، کاهش نابرابری جنسیتی در آموزش و سلامت زنان را فراهم می‌سازد. از سوی دیگر توسعه اقتصادی با کاهش نابرابری جنسیتی، قدرت تصمیم‌گیری زن در خانواده را افزایش می‌دهد که مشارکت بالاتر و در نتیجه کاهش نابرابری جنسیتی را به دنبال دارد. به علاوه افزایش نرخ باروری نابرابری جنسیتی و نابرابری آموزشی را افزایش می‌دهد.

جدول ۴: برآورد مدل

متغیر	رشد	رشد	نابرابری جنسیتی	نابرابری آموزشی	بهره‌وری	بهره‌وری	باروری	باروری
ثابت	۵/۶۶	۹/۱۵	۰/۲۷۶	۰/۸۲	۱/۲۲	۰/۶۴۸	۱۲/۲۰۹۸۰	۷/۸۹
نابرابری جنسیتی	-۳,۹۳					۲/۱۵	۶/۰۴	
باروری	۰/۰۷	۰/۱۱۹	۰/۰۰۷	۰/۰۰۱	-۰/۰۳۱	-۰/۰۴		
بهره‌وری	۱,۵۱	۱/۹۱						
نابرابری آموزشی	-۹/۷۴				-۸/۸۹			۸/۸۸
نابرابری بازار کار	-۵/۱				-۳/۱۵۱			۱۱/۶۶
رشد			-۰/۰۰۸	-۰/۰۱۱	۰/۳۰۶	۰/۰۳۱	-۰/۰۱۶	-۰/۰۱۶

منبع: محاسبات تحقیق

مدل باروری - ستون ۷ و ۸ جدول ۴، اثر نابرابری جنسیتی بر نرخ باروری در استان‌های ایران را نشان می‌دهد. مدل نمایانگر یک رابطه مثبت و معنادار بین نابرابری جنسیتی و باروری می‌باشد. نابرابری جنسیتی با استناد به نظریه هزینه - زمان از طریق

کاهش زمان اختصاص یافته به کار بازاری باعث کاهش هزینه بچه‌داری و در نتیجه افزایش نرخ باروری می‌شود. از طرف دیگر بین رشد اقتصادی و نرخ باروری در استان‌های ایران یک رابطه منفی وجود دارد. به عبارت دیگر رشد اقتصادی کاهش نرخ باروری را به دنبال داشته است.

همان‌طور که در مدل قبل گفته شد، افزایش باروری موجب تشدید نابرابری جنسیتی می‌شود. باروری بالاتر از طریق افزایش زمان اختصاص یافته به کار خانگی، ذخیره انسانی اندوخته شده را کاهش و در نتیجه باعث کاهش مشارکت زنان در کار بازاری و در نتیجه افزایش نابرابری جنسیتی می‌شوند که با نتایج بدست آمده در این مدل سازگار است. از سوی دیگر، همان‌طور که در بالا گفته شد، نابرابری جنسیتی از طریق کاهش زمان اختصاص یافته به کار بازاری و تخصیص بیشتر زمان به کار خانگی موجب افزایش نرخ باروری شده است. با توجه به نتایج بالا می‌توان گفت که باروری و نابرابری جنسیتی به طور متقابل بر هم اثر می‌گذارند، یعنی افزایش نرخ باروری، نابرابری جنسیتی را افزایش و افزایش نابرابری جنسیتی، باروری را افزایش می‌دهد. به علاوه مدل نشان می‌دهد که رشد اقتصادی بر باروری اثر منفی دارد.

مدل بهره‌وری - ستون ۶ و ۵ جدول ۴ نشان می‌دهد که نابرابری جنسیتی به طور کلی و نابرابری جنسیتی در آموزش و نیروی کار بر بهره‌وری اثر منفی دارد. نابرابری جنسیتی یک نوع تبعیض محسوب می‌شود و مانند هر نوع تبعیض دیگر باعث دور شدن از تخصیص کارای منابع و کاهش بهره‌وری در جامعه می‌شود. در حالی که رشد بر بهره‌وری اثر مثبت و معنادار دارد.

مدل رشد اقتصادی - ستون ۱ و ۲ جدول ۴ نشان می‌دهند که در استان‌های ایران بین نابرابری جنسیتی و رشد اقتصادی یک رابطه منفی و معنادار وجود دارد. نابرابری جنسیتی یک نوع تبعیض محسوب می‌شود و مانند هر نوع تبعیض دیگر باعث دور شدن از تخصیص کارای منابع و کاهش بهره‌وری در جامعه می‌شود. از این رو باعث می‌شود که رشد اقتصادی از سطح بهینه کارای خود فاصله بگیرد.



ستون دوم جدول ۴ به بررسی اثر برخی از ابعاد نابرابری جنسیتی، یعنی نابرابری در بازار کار و نابرابری در آموزش بر رشد اقتصادی می‌پردازد. نابرابری جنسیتی در بازارکار و نابرابری جنسیتی در آموزش بر رشد اقتصادی اثر منفی و معنادار دارند. نابرابری آموزشی یکی از ابعاد مهم نابرابری جنسیتی است که از طریق کاهش ذخیره سرمایه انسانی زنان نسبت به مردان بر سایر انواع نابرابری جنسیتی اثر می‌گذارد و نهایتاً از طریق کاهش در نرخ مشارکت اقتصادی زنان و دریافتی‌های زنان موجب نابرابری در بازارکار، باعث کاهش بهره‌وری و رشد اقتصادی می‌شود.

مدل نمایانگر یک رابطه مثبت و معنادار بین رشد اقتصادی و بهره‌وری نیروی کار می‌باشد که با تئوری‌های اقتصادی مطابقت دارد. همان‌طور که گفته شد، نابرابری جنسیتی از طریق کاهش سرمایه انسانی و تخریب تخصیص منابع موجب کاهش بهره‌وری نیروی کار و رشد اقتصادی می‌شود که کاهش رفاه جامعه را به دنبال دارد. به علاوه نتایج نشان می‌دهد که افزایش بهره‌وری و باروری اثر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی استان‌ها داشته است.

بررسی مقایسه‌ای نتایج بدست آمده در مدل‌های بالا، دلالت بر این دارند که نابرابری جنسیتی از یک سو با استناد به نظریه هزینه-زمان، از طریق کاهش زمان اختصاص یافته به کار بازاری و تخصیص بیشتر زمان به کار خانگی موجب افزایش نرخ باروری شده است که با توجه به رابطه مثبت بدست آمده بین باروری و رشد، باعث افزایش رشد اقتصادی می‌شود. از سوی دیگر نتایج نشان داد نابرابری جنسیتی باعث کاهش بهره‌وری شده است که خود عامل مهمی در کاهش رشد اقتصادی می‌باشد. بنابراین، اثر نابرابری جنسیتی بر رشد اقتصادی به برآیند این دو اثر بستگی دارد. نتایج مدل نمایانگر غلبه اثر دوم است به عبارت دیگر نابرابری جنسیتی رشد را در استان‌های ایران در دوره مورد نظر کاهش داده است.

۵. نتیجه گیری

در این مقاله به مطالعه اثر نابرابری جنسیتی بر رشد، از طریق دو کانال بهره‌وری و باروری با کاربرد از داده‌های پانل استانی در دوره زمانی ۱۳۹۱-۱۳۷۷ پرداخته شده است. نتایج نشان می‌دهد افزایش باروری بر رشد اقتصادی و نابرابری جنسیتی در استان‌های ایران اثر مثبت و معناداری داشته‌است. در حالی که نابرابری جنسیتی به طور کلی و نابرابری در بازار کار و نابرابری آموزشی اثر منفی و معنادار بر رشد و بهره‌وری و اثر مثبت بر نابرابری جنسیتی داشته‌است.

یافته‌ها نشان می‌دهد که نابرابری جنسیتی از یک سو با استناد به نظریه هزینه - زمان از طریق کاهش زمان اختصاص یافته به کار بازاری، باعث تخصیص زمان بیشتر به کار خانگی شده است و از سوی دیگر با کاهش هزینه فرصت بچه‌داری افزایش نرخ را به دنبال داشته است.

تبعیض از ابعاد مختلف بر رشد اقتصادی اثر منفی دارد. در بعد کلان تبعیض جنسیتی در بازار کار، از یک سو با حذف بازارهای رقابتی، هزینه معاملاتی اضافی برای کارگزاران فراهم می‌سازد و از طریق کاهش بهره‌وری، رشد اقتصادی را کاهش می‌دهد. به طور همزمان، شکاف در دسترسی به منابع کارا باعث ایجاد اختلال در تخصیص منابع می‌شود، که به نوبه خود منجر به تخصیص ناکارای منابع و زیان‌های رفاهی قابل توجه می‌شود و بهره‌وری را کاهش می‌دهد و بر رشد اقتصادی اثر منفی بر جای می‌گذارد. در بعد خرد، تبعیض جنسیتی در بازار کار و دسترسی به منابع، هزینه‌های نابرابری جنسیتی بسیار بالا است، شکاف دریافتی با کاهش قدرت زن در درون خانواده، سرمایه‌گذاری در آموزش و سلامت فرزندان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و از طریق کاهش سرمایه انسانی بر رشد، اثر منفی برجای می‌گذارد. بی‌توجهی به آموزش زنان از طریق کاهش سرمایه انسانی کیفیت مراقبت از فرزندان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و از مجرای کاهش بهره‌وری، رشد بلند مدت اقتصادی را کاهش می‌دهد.



همچنین نتایج نشان داد که نابرابری از طریق افزایش نرخ باروری به طور غیرمستقیم رشد را افزایش می‌دهد. از سوی دیگر نابرابری از طریق کاهش بهره‌وری، رشد را کاهش می‌دهد. بالاخره، این که نابرابری چه اثری بر رشد دارد بستگی به برابری دو اثر قبلی دارد. نتایج دلالت بر این دارد که اثر اول غالب بوده و نابرابری، رشد اقتصادی استانی را کاهش داده است.

نتایج بالا دو دلالت سیاستی مهم دارد اول: با توجه به این که توسعه برگشت‌پذیر نیست و کاهش شکاف جنسیتی در برخی از ابعاد مانند آموزش و خانواده معکوس نخواهد شد، برای دستیابی به رشد پایدار، دخالت‌های سیاستی برای دستیابی به نرخ بهینه باروری برای لازم است. از این رو، مجموعه‌ای از سیاست‌ها برای بهبود شرایط تشکیل خانواده ضرورت دارد. تمامی این استراتژی باید تمرکز بر سازش بین کار بازاری و زندگی خانوادگی داشته باشد. برای مثال توسعه سیاست‌های حمایتی، مانند مرخصی بارداری، توسعه ترتیبات کاری انعطاف‌پذیر، مرخصی زایمان، فرزندپروری و سیاست‌هایی برای تشویق مردان برای استفاده از مرخصی والدی باید در بسته سیاست‌های دولت قرار گیرد. از سوی دیگر، آن دسته از سیاست‌های اقتصاد کلان که بتوانند ثبات اقتصادی را از طریق کاهش نرخ بیکاری و تثبیت قدرت خرید تضمین کند می‌تواند از طریق ایجاد فضایی مطمئن‌تر نسبت به آینده از به تعویق انداختن ازدواج و فرزندآوری جلوگیری کند.

از آنجا که نابرابری‌های جنسیتی توسط نهادهای حاکم بر جامعه، مانند ساختار پدر سالاری در خانواده و بازار کار و قوانین مالکیت شکل گرفته است، که نمی‌تواند تنها با فرآیند رشد اقتصادی تحت تأثیر قرار گیرد. از این رو، مداخله دولت برای اصلاح تورش‌های جنسیتی، مانند تورش جنسیتی در آموزش، حذف اختلالات بازار کار و تغییر قوانین مالکیت برای کاهش روند نابرابری ضرورت دارد.

منابع

افشاری، زهرا؛ شببانی، ابراهیم (۱۳۸۲). بررسی ساختار اشتغال صنعتی زنان در ایران با استفاده از تکنیک داده- ستانده جهت ارائه راهکارهایی برای ایجاد شغل برای زنان. *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*. بهار ۱۳۸۲ - شماره. ص ۸۵-۵۵.

افشاری، زهرا؛ رمضانی، فرخ (۱۳۸۵). تأثیر فناوری اطلاعات بر اشتغال زنان بررسی مقطعی بین کشوری. *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*. شماره ۱۰. ص ۳۶-۲۳.

افشاری، زهرا؛ شببانی، ایمان (۱۳۹۴). آزمون فرضیه تجزیه جنسیتی نیروی کار در ایران. *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*. شماره ۲۶. ص ۴۸-۲۹.

افشاری، زهرا (۱۳۹۴). برابری جنسیتی و باروری در ایران. زن در توسعه و سیاست. دوره ۱۳. شماره ۲. تابستان ۱۳۹۴. ص ۲۶۲-۲۴۵.

پرتوی، بامداد؛ امینی، صفی‌ار؛ گودرزی. امیر (۱۳۸۸). بررسی اثر نابرابری جنسیتی بر رشد اقتصادی ایران. *مدل‌سازی اقتصادی*. شماره ۳ (پیاپی ۹). ص ۷۶-۵۱.

شببانی، ابراهیم؛ افشاری، زهرا (۱۳۸۲). نابرابری جنسیتی و توسعه اقتصادی در ایران. *تحقیقات اقتصادی*. شماره ۶۲.

ص ۱۷۴-۱۵۱.

یوسفی دیندارلو، مجتبی (۱۳۸۲). بررسی تأثیر آموزش رسمی بر نرخ رشد اقتصادی در ایران. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*.

دانشکده علوم سیاسی و اقتصادی. دانشگاه شهید بهشتی.

Abbasi-Shavazi, M. (2001). *Below-replacement fertility in Iran: Progress and prospects. Paper presented at the IUSSP workshop on low fertility: Trends, theories and policies, Tokyo, 21-23 March.*

Abu-Ghaida, D., & Klasen, S. (2004). *The costs of missing the Millennium Development Goal on Gender Equity*. *World Development*, 32(7), 1075-1107.



- Balioune-Lutz, M. (2005). *Gender Inequality and Economic Development in Sub-Saharan Africa and Arab Countries*. In UNU/WIDER Jubilee Conference on the Future of Development Economics. World Institute for Development Economics Research, Helsinki: United Nations University.
- Becker, G. S., & Lewis, H.G. (1973). *On the interaction between the quantity and quality of children*. Journal of Political Economy, 81, S279–S288.
- Blackden, M., Canagarajah, S., Klasen, S., & Lawson, D. (2006). *Gender and growth in Sub-Saharan Africa*. UNU-WIDER Research Paper No. 2006/37.
- Boserup, E. (1970). *Woman's role in economic development*, New York: St. Martin's Press.
- Browning, M., Chiappori, P.A., & Weiss, Y. (2011). *Family Economics*, Cambridge University Press.
- Cavalcanti, J.T., & Tavares, J. (2011). *Women Prefer Larger Governments: Growth, Structural Transformation, and Government Size*. Economic Inquiry, 49(1), 155-171.
- Caselli, F., Esquivel, G., & Lefort, F. (1996). *Reopening the convergence debate: A new look at cross-country growth empirics*. Journal of Economic Growth, 1(3), 363-389.
- Doepke, M., & Tertilt, M. (2009). *Women's liberation: What's in it for men?*. Quarterly Journal of Economics, 124(4), 1541-1591.
- Duflo, E. (2010). *Gender inequality and development*. ABCDE Conference, Stockholm, May.
- Dollar, D., & Gatti, R. (1999). *Gender inequality, income, and growth: are good times good for women?* (Vol. 1). Washington, DC: Development Research Group, The World Bank.
- Esteve-Volart, B. (2009). *Gender discrimination and growth: Theory and evidence from India*. working paper.
- Fernandez, R. (2014). *Women's rights and development*. Journal of Economic Growth, 19(1), 37-80.
- Forsythe, N., Korzeniewicz R.P., & Durrant, V. (2003). *Gender inequalities and economic growth: A longitudinal evaluation*. Economic Development and Cultural Change, 48(3), 108-132.
- Galor, O., & Weil, D. N. (1996). *The gender gap, fertility, and growth*. American Economic Review, 85(3), 374–387.

- Geddes, R. & D. Lueck (2002). *The gains from self-ownership and the expansion of women's rights*. American Economic Review, 92(4), 1079-1092.
- Greenwood, J., Seshadri, A., & Yorukoglu, M. (2005). *Engines of liberation*. Review of Economic Studies, 72, 109-133.
- Hill, A.M., & King, E.M. (1995). *Women's Education and Economic Well-Being*. Feminist Economics 1(2), 1-26.
- Klasen, S. (2002). *Low schooling for girls, slower growth for all? Cross-country evidence on the effect of gender inequality in education on economic development*. World Bank Economic Review, 16(3), 345-73.
- Klasen, S., & Lamanna, F. (2009). *The impact of gender inequality in education and employment on economic growth: New evidence for a panel of countries*. Feminist Economics, 15(3), 91-132.
- Kalsen, S., & Wink, C. (2003). *Missing Women: Revisiting the Debate*. Feminist Economics, 9, 263-299.
- Lagerlof, N. (2003). *Gender equality and long run growth*. Journal of Economic Growth, 8, 403-426.
- Lucas Jr., R.E. (1978). *On the size distribution of business firms*. The Bell Journal of Economics, 9(2), 508-523.
- Sala-i-Martin, X., Doppelhofer, G., & Miller, R.I. (2004). *Determinants of long-term growth: A Bayesian averaging of classical estimates (BACE) approach*. American Economic Review 94(4), 813-835.
- Sen, A. (1990). *Gender and Cooperative Conflicts, in Tinker, I.(ed.) Persistent Inequalities*. Oxford University Press: New York.
- Seguino, S. (1998). *Gender Inequality and Economic Growth: A Cross-Country Analysis*. Mimeographed. University of Vermont.
- Stotsky, J.G. (2006). *Gender and its relevance to macroeconomic policy: A survey*. IMF Working Papers, 1-68.
- UNDP. (2015). *Human Development Report 2015, Work for Human Development*, New York, U.S.A
- World Bank. (2001). *Engendering Development*. Washington, DC: World Bank



نویسندگان

afsharizah@gmail.com

زهرا افشاری

مدیر گروه رشته اقتصاد دانشگاه الزهرا(س)

دکتری اقتصاد- دانشگاه ایندیانا- آمریکا (۱۹۸۳) ۱۳۶۲

samirakakavand.1990@gmail.com

سمیرا کاکاوند

کارشناس ارشد اقتصاد، دانشگاه الزهرا